

از خشونت لفظی تا خشونت فیزیکی



هر محفلی برای خود از آداب و رسوم، شان و ادبیات خاص خود برخوردار است. برای مثال در گذشته برخی افراد در کوچه و بازار به دلیل نوع خاص رفتار، لباس پوشیدن و ادبیاتشان از دیگر اقشار جامعه متمایز می‌شدند. حتی در بین افراد تحصیلکرده نیز ادبیات و سبک زندگی آنها را از دیگر اقشار جامعه جدا می‌کند.

هر محفلی برای خود از آداب و رسوم، شان و ادبیات خاص خود برخوردار است. برای مثال در گذشته برخی افراد در کوچه و بازار به دلیل نوع خاص رفتار، لباس پوشیدن و ادبیاتشان از دیگر اقشار جامعه متمایز می‌شدند. حتی در بین افراد تحصیلکرده نیز ادبیات و سبک زندگی آنها را از دیگر اقشار جامعه جدا می‌کند.

به گزارش سلامت نیوز، روزنامه آرمان نوشت: گذران دوران دانشجویی یکی از دوره‌های جذاب زندگی محسوب می‌شود و این دوران از شوخی‌ها و ادبیات خاص خود برخوردار است. چندی پیش رئیس سازمان امور دانشجویی وزارت علوم گفت: یکی از مشکلاتی که وزارت علوم با آن مواجه است مسائل و رفتارهای خشونت‌آمیز در فضای دانشگاه است. مجتبی صدقی افزود: باید دید چگونه باید درگیری و خشونت لفظی را کاهش دهیم. به گفته او هدف کاهش خشونت لفظی در محیط دانشگاه‌های کشور است.

با بررسی پرونده‌های جنایی در دادگاه مشاهده می‌شود که گاه یک جمله نامحترمانه، شوخی بیجا و به کارگیری ادبیات کوچه و بازاری برای نشان دادن صمیمیت بیش از حد افراد را به کام مرگ کشانده یا باعث ضرب و جرح و قطع عضو شده است. این در حالی است که شاید یک لحن مناسب، بیان جمله محترمانه یا حتی معذرت خواهی ساده می‌توانست آنها را از این دردسرها نجات دهد. بر اساس تعاریف علمی خشونت کلامی استفاده از الفاظ و کلمات بد با هدف توهین و تحقیر، دشنام شمرده شده و با عنوان خشونت لفظی و روانی در فهرست خشونت‌ها دسته‌بندی می‌شود. خشونت لفظی پیامد‌های ناگواری در پی داشته و در اغلب موارد منجر به خودکشی، خودسوزی و عمل متقابل می‌شود. فردی که در خانواده یا اجتماع با خشونت لفظی مواجه شود، طبیعتاً با گذشت زمان تغییر کرده و پرخاشگر پرورش می‌یابد. برای مثال مادری که در خانواده مورد خشونت لفظی قرار دارد بدون تردید در برخورد با کودکانش وضعیت عادی نداشته و به مرور زمان برخورد پرخاشگرانه و نامناسب را با اطرافیان و به ویژه کودکانش دارد. روندی که در نهایت به محیط کار و جامعه منتقل می‌شود.

الگوپذیری از خانواده

خشونت کلامی در بین دانشجویان کشور باید در قالب فردی و اجتماعی بررسی شود. در روانشناسی این مقوله از بعد تربیتی بررسی می‌شود. با مشاهده افراد پرخاشگر قبل از هر اقدام نسبت به عملکردشان باید خانواده آنها مورد ارزیابی قرار گیرد. در افراد روند جامعه‌پذیری اولیه از خانواده، مهدکودک و مدرسه آغاز شده و دیگر جوامع نیز در شکل‌گیری آن تاثیرگذار هستند. در واقع اغلب خانواده‌های ایرانی به دلیل عدم شناخت مناسب نسبت به مسائل تربیتی فقط به فرزندانشان محبت می‌کنند. طبیعتاً فرزندان نیز در الگوپذیری نهاد خانواده را سرمشق قرار می‌دهند. برای مثال وقتی کودک شاهد رفتارهای پرخاشگرانه پدر در مواجهه با سختی‌ها و ناملايمات است به نسبت او نیز این نوع رفتارها را در مواقع سختی از خود بروز می‌دهد. همچنین برخی افراد در حین مشاهده مسابقات فوتبال از تلویزیون به فوتبال‌بازها ناسزا گفته یا توانایی کنترل احساسات خود را ندارند. برخی از آنها نیز از نهاد خانواده چنین رفتارهایی را آموخته‌اند. شخصیت افراد در جامعه شکل می‌گیرد، اما مسائل اقتصادی باعث ایجاد نقاط مشترک در بین افراد و طبقات اجتماعی می‌شود، آن هم به این دلیل که عدم توجه به شادی و فقر فرهنگی در بروز رفتارهای پرخاشگرانه تاثیرگذار است. انسان با آرامش می‌تواند رفتارهای مناسب از خود بروز دهد. این در حالی است که شرایط نامناسب اقتصادی، عدم توانایی در تامین نیازها و... در جوانان باعث افزایش حس پرخاشگری می‌شود. امروزه قلمرو شخصی افراد دستخوش حوادث فراوان شده و همین امر در رفتار و منش آنها تاثیر گذار است.

مرگ فرهنگ با ناسزاگویی و فحاشی

یک پژوهشگر مسائل اجتماعی با بیان اینکه جوانان جامعه ما دچار استرس مزمن هستند، می‌&ZWNJ;گوید: جوانان امروز با مسائل متعددی دست به گریبانند؛ برای کاهش مشکلات این قشر باید از وزارت ورزش و جوانان حاصل اقداماتشان در چندین سال خدمت به نسل جوان را پرسید. حسن عشایری می‌&ZWNJ;افزاید: فقر اقتصادی به نسبت فقر فرهنگی را به دنبال دارد، چون در شرایط نامساعد اقتصادی، فرهنگ نیز دچار تخریب می‌&ZWNJ;شود. باید با اعمال سیاست‌&ZWNJ;ها و برنامه‌&ZWNJ;های مدون بتوان هیجان‌&ZWNJ;های سرگردان را در بین قشر جوان هدایت کرد. چون بروز رفتارهایی همچون ناسزا گویی، بددهنی، تحقیر و پرخاشگری در بین این افراد نشان‌&ZWNJ;دهنده خشم‌&ZWNJ;های نهفته در وجودشان است.

این در حالی است که عدم واکنش به اعتراضات و خشونت، افراد را به افسردگی، بی‌&ZWNJ;اعتنایی و اعتیاد دچار می‌&ZWNJ;کند. او تأکید می‌&ZWNJ;کند: پرخاشگری و بروز رفتارهای نامناسب همچون فحاشی یک رفتار قبیح اجتماعی تلقی می‌&ZWNJ;شود، اما قبل از هر اقدام باید انگیزه فرد را از این گونه رفتارها ارزیابی کرد.. به گفته این پژوهشگر مسائل اجتماعی باید چرایی بروز رفتارهای خشونت آمیز و بددهنی‌&ZWNJ;ها بررسی شود و دیگر نمی‌&ZWNJ;توان منشا مشکلات را فرد و شرایط سنین جوانی دانست، چون هر رفتار به دلیل وضعیت خاص بروز می‌&ZWNJ;کند. این استاد دانشگاه می‌&ZWNJ;افزاید: در اصل منشا اغلب خشم‌&ZWNJ;های نهفته در جوانان ابهام از وضعیت آینده است. وقتی قشر جوان برای زندگی و دستیابی به اهداف خود هیچ‌&ZWNJ;امیدی به تغییر نداشته باشد به نسبت بروز رفتارهای پرخاشگرانه طبیعی است. در ضمن افراد در واکنش به ناملایمات به‌&ZWNJ;جای اینکه دست به رفتارهای خشونت‌&ZWNJ;آمیز بزنند، می‌&ZWNJ;توانند به شکل مثبت و کارآمد اقدام کنند. عشایری می‌&ZWNJ;افزاید: برای مثال فرد در مواجهه با ناملایمات تحمل می‌&ZWNJ;کند، اما بعد از گذشت مدتی با کاهش آستانه تحمل رفتارهای پرخاشگرانه از خود بروز می‌&ZWNJ;دهد. او با بیان اینکه در برخی تصمیم‌&ZWNJ;گیری‌&ZWNJ;ها و رفتارها شاهد اهانت به قشر جوان در کشور هستیم، می‌&ZWNJ;افزاید: از سوی دیگر نصیحت‌&ZWNJ;های فراوان از سوی رسانه ملی و دیگر نهادهای تصمیم‌&ZWNJ;گیر برای قشر جوان مشاهده می‌&ZWNJ;شود. این در حالی است که اغلب افراد نصیحت‌&ZWNJ;کننده خودشان مسائل مطرح شده را رعایت نمی‌&ZWNJ;کنند، جوان نیز در این شرایط در پی انتقام جویی و ارائه رفتارهای تخریب‌&ZWNJ;کننده است.

برای مثال در برخی مواقع مشاهده می‌&ZWNJ;شود که فرد ناراضی و نابهنجار با یک میخ خودروی دیگران را تخریب می‌&ZWNJ;کند. این استاد دانشگاه می‌&ZWNJ;گوید: در عصب‌&ZWNJ;شناسی میحثی تحت عنوان اراده مطرح می‌&ZWNJ;شود. افراد با اراده می‌&ZWNJ;توانند نسبت به رفتارهای خود تصمیم‌&ZWNJ;گیری کنند. وقتی فرد با آگاهی رفتار کند، طبیعتاً مشکلات و ناکارآمدی‌&ZWNJ;هایش برطرف می‌&ZWNJ;شود. به گفته عشایری ناسزا گفتن و بددهنی به هیچ‌&ZWNJ;عنوان ژنتیکی نیست. برای مثال بر اساس تحقیقات انجام شده برخی افراد به سبک و زبان لمپن یا کوچه و بازاری صحبت و رفتار می‌&ZWNJ;کنند، اما همسران آنها به هیچ‌&ZWNJ;عنوان از چنین سبکی در رفتارشان الگو نمی‌&ZWNJ;پذیرند. این در حالی است که هم اکنون در سطح شهر شاهد رفتارهای کوچه بازاری در بین برخی دختران هستیم و این رفتار نشان‌&ZWNJ;دهنده وضعیت وخیم اجتماعی در کشور است، چون این دختران در آینده ازدواج کرده و باید فرزند‌&ZWNJ;هایشان را تربیت کنند. در گذشته براساس آموزه‌&ZWNJ;های دینی و تربیتی ایرانیان رعایت شرم و حیا از اولویت‌&ZWNJ;های رفتاری محسوب می‌&ZWNJ;شد. به گفته این استاد دانشگاه باید دانست که با به کارگیری شیوه‌&ZWNJ;های تربیتی نخ نما مغز اجتماعی افراد رشد نمی‌&ZWNJ;کند، بلکه مغز اجتماعی آنها باید براساس مسئولیت پذیری، مشارکت اجتماعی و توجه به حقوق شهروندی تربیت شده و رشد کند تا به این شکل بتوان از فرهنگ و هنر این مرز و بوم نگهداری کرد. عشایری تأکید می‌&ZWNJ;کند: در کشور ما ترازوی عدالت به شکل مناسب وجود ندارد، چون هر فردی با تجاوز به حریم دیگری باید مورد شتمات و مجازات قرار گیرد. اگر امروز جوانان از فحاشی و رفتارهای پرخاشگری در مواجهه با ناملایمات استفاده می‌&ZWNJ;کنند، چون خانواده رفتار مناسبی نداشته است. با اصلاح جامعه پذیری افراد می‌&ZWNJ;توان در ارتقای رفتارهای اجتماعی تاثیر گذار بود.

والدین نسبت به تربیت فرزندشان حساس باشند

بر اساس نتایج تحقیقات روانشناسان، خانواده، مدرسه و جامعه در بروز رفتار افراد تاثیرگذار هستند، اما تصمیم‌&ZWNJ;گیرنده نهایی در ارائه نحوه رفتار خود فرد است. اگر افراد ذهنشان را از کمبودها و عقده‌&ZWNJ;ها مصون نگه دارند به نسبت رفتارهای اجتماعی مناسبی از آنها مشاهده می‌&ZWNJ;شود. باید از طریق نهادهای آموزشی کشور به شکل کارآمد و مناسب در بین دانش‌&ZWNJ;آموزان و دانشجویان کشور هنر تفکر و تصمیم‌&ZWNJ;گیری آموزش داده شود. متأسفانه والدین جامعه ما بر این باورند که اگر فرزند آنها درس بخواند و نمره ۲۰ بگیرد و سرانجام در کنکور قبول شود، شخصیتش هم شکل می‌&ZWNJ;گیرد. در نتیجه والدین به نوجوان شیوه‌&ZWNJ;های پرورش شخصیت مسئول، تصمیم‌&ZWNJ;گیرنده و مستقلى را نمی‌&ZWNJ;آموزد. بسیاری از جوانان جامعه ما در سطح فوق لیسانس و دکترا

تحصیل کرده‌اند؛ و افراد مودبی هم هستند، اما پس از ازدواج متوجه می‌شوند که قادر به پذیرش مسئولیت در مقابل طرف مقابل و تحمل ناکامی‌ها نیستند و مشکل ارتباطی دارند. جوانان امروز کمتر دارای جسارت هستند. اگرچه اکثر آنها پرخاشگر شده‌اند، اما جسور نیستند چرا که انسان جسور داد نمی‌زند و پرخاشگری نمی‌کند. در روانشناسی نظریه‌ای وجود دارد مبنی بر اینکه ناکامی پرخاشگری را به همراه دارد. یعنی وقتی انسان با ناکامی مواجه می‌شود یکی از واکنش‌هایش پرخاشگری است و زمانی که پرخاشگری می‌کند در آن لحظه دچار تخلیه هیجانی می‌شود، با تخلیه هیجانی هم تنش وجودی‌اش کاهش می‌یابد.